



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

دوشنبه ۰۴ جولای ۲۰۲۲

حمید انوری

"نیست دستی که گند از چمن ریشه گم"

دستی اگر بودی، دستان خونین روس متجاوز بودی، دستان فساد پیشه نیرو های "شر و فساد" بودی، دستان ناپاک تجاوزگران امریکائی و متحدان غربی او بودی که هیچ یک با هیچ قدرت نظامی و اقتصادی و تخنیکی، نتوانستی که "گند از چمن، ریشه گم" و این پیام وطن پرستانه را چه زیبا هموطن عاشق وطن، گرانقدر محترم جناب "نوید" در این شعر پرمغز "سرو سرفراز"، گنجانیده اند و چه پیام واضح و روشن به همه دشمنان وطن و وطندار رسانیده اند که دستان مبارک و سحرآفرین شان درد نکند.

اینک بیشتر از چهار دهه می شود که دشمنان رنگارنگ داخلی و خارجی، مسلمان و نامسلمان، آخرین تلاش های شانرا با مصارف کمرشکن به خرج داده اند تا ریشه افغان را از سرزمین افغانستان بر کنند، اما هرچه بیشتر مشغول ریشه گنی گردیدند و میگردند هنوز، بیشتر و بیشتر در آن خاک پاک ریشه میکنیم، برگ و بار می دهیم و افغانستان با تمام صلابت خود، چون کوه استوار ایستاده است و فرزندان اصیل آن مرز و بوم از کوهپایه های سر بر آسمان کشیده و پرغرور آن، همچنان محافظت میکنند، بگذار گدا خصلت ها به تگدی مشغول باشند و نوکر صفت ها به نوکری و غلامی. بگذار اصل و کم اصل خود را به نمایش بگذارند و ماهیت اصلی شانرا آشکار سازند، طومار نویسی کنند، سر بر آستان هر کمزادی خم کنند و هر ارباب خارجی را پابوسی، بگذار به پارلمان اروپا و کانگرس امریکا و درگاه فرانسه، سر فرود آورند و نماز منافقت شانرا بر درگاه کرملین ادا کنند و در پابوسی پوتین های دیوانه از همدگر سبقت جویند و...

به گفته شاعر: چراغ ظلم ظالم تا دم محشر نمی سوزد

اگر سوزد شبی سوزد، شب دیگر نمی سوزد

جناب محترم "نوید" چنان زیبا و رسا و گویا و پر مغز، شعری سروده اند که از جان و روح و روان مایه گرفته است و از دل برون گردیده و لاجرم بر دلها می نشیند و در روح و روان هر انسان میهن پرست واقعی ریشه می کند و تا قاف قیامت ماندگار می شود و انسان را چنان به میهن آبائی می کشاند که فکر میکنی در کوهپایه های میهن، در دشت و صحرای وطن، در باغ و راغ وطن، در هر بیشه و گوشه وطن با تمام جسم و جان و روح و روان حضور داری و هرگز ترک میهن نکرده ای؛ هرچند یک مشت نابکار جنایت پیشه بی رگ و ریشه، تعداد کثیری از هم میهنان را مجبور به ترک خانه و کاشانه نمودند، اما جسم که از وطن دور گردید، لاجرم روح و روان هر افغان آزاده همچنان در وطن ماندگار گردید و در ذره ذره خاک پاک آن سرزمین زیبا و بی همتا، ریشه کرد و به برگ و بار نشست و افغانستان هنوز هم افغانستان است و همیشه هم چنان خواهد بود و نمونه زنده و به سررسیده آنها می تواند هموطن گرانقدر ما، جناب "نوید" باشند که ایکاش هر مادری چنین فرزندی پرورش میدادی و هر پدري را چنان فرزندی بودی تا قدر و منزلت آن خانه اجدادی و آبائی با همین صفا و صمیمیت و صداقت می داشتی، تا مادر وطن را از ناحیه فرزندان دغدغه در خاطر نبودی.

همین سروده "سرو سرفراز" را شاید و باید هر افغان آزاده و عاشق میهن، از بر کردی و به حافظه سپردی و از جان و دل بدان عمل کردی، تا باشد که به درد های بیشمار طاقت فرسا و زخم های فراوان خونچکان آن به نحوی مرحم گزاری گردد.

زنده یاد "لاهوتی" باری چه خوش سروده بود:

همه داد وطن خواهی زنند، اما نمی دانم

وطن خواهی به گفتار است یا کردار، یا هر دو؟

و این سوال و پرسش شادروان لاهوتی را، جناب گرامی "نوید" با تمام صداقت و صفا و محبت و مهر، طی سالیان طولانی پسین، با سادگی، در عمل نشان داده اند، که در "هر دو"، و بار بار و بارهای دگر از روی صداقت ذاتی شان، به اثبات رسانیده اند که "وطن خواهی" هم در گفتار و هم در کردار است و ایشان با یک دنیا صفا و صداقت و صمیمیت، هر دو را باهم چنان تلفیق نموده و شب و روز، پگاه و بیگاه و امروز و فردا، بدون کوچکترین غل و غش، در خدمت وطن و وطندار بوده اند که خداوند عمر طولی و مملو از شادی و صحت و صفا نصیب شان گرداناد!

خوب میدانم که جناب محترم و گرامی "حامد نوید" و امثال شانرا که تعداد شان با درد و دریغ خیلی اندک اند، هیچ دستی در هیچ کجای جهان نمی تواند از آب و خاکش، ریشه کن کند و آرزومندم که همچو انسانهای شریف را رگ و ریشه همیشه در میهن باشدی، تا میهن نفسی به راحت درکشیدی و به اصطلاح وطنی ما، پشت وطن در کوه بودی و دردش در صحرا و مهرش در دلها.

گرچه گویند حریفان جفا پیشه که من

بزرگ پائیزم و در حال فرور یختم

لاله سان باز ز خاک وطن آیم بیرون

گر به صدرنگ فلک سرخ کند پیرهنم

هرچند خوب میدانیم که به اصطلاح وطنی ما، "از صد گل ایشان، هنوز یک گل هم نشگفته است"، اما اگر خزانی هم در کار بودی، از صد بهار بهتر و پُربارتر و سبزتر بودی و به گفته مشهور "یک کمان صد تیر در خاک پنهان کردی".

قامت رسای محترم "نوید" و امثال شان، رسا و رساتر باشدی، تا دشمنان این آب و خاک را مجال طومار نویسی و ترفند بازی و توطئه گری ندادی و قامت همی افراشتی و مشتی بودی محکم بر پوز هر خائن و خبیث و خونخوار و خلقی دشمن.

سر تان و تن تان و پیراهن تان همیشه سبز بادا! و صد رحمت به شیر دادن والای تان!